

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۵۵۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۵ دی ۱۳۸۹، ۵ ژانویه ۲۰۱۱

سر دبیر: عبدل گلپریان

مردم سنج با شجاعت و قاطعیت نیروهای سرکوب را عقب راندند

میشوند و مردم هم آنها را گوشمالی میدهند. تعدادی از نیروهای انتظامی حاضر در محل اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن یک کودک ۱۲ ساله زخمی می شود. مردم بلافاصله این کودک را به بیمارستان می‌رسانند.

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است، امروز چهارشنبه ۱۵ دیماه ساعت حدود یک بعدازظهر، نیروهای انتظامی در میدان گاز سنندج راننده ای را دستگیر میکنند. جوان دستگیر شده به دفاع از خود میپردازد و نیروهای انتظامی با باتوم و مشت و لگد او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. عابرین با دیدن صحنه درگیری، به کمک جوان دستگیر شده میشتابند و در حالی که تعدادشان به سی چهار نفر میرسد، او را فراری می دهند. نیروهای انتظامی با مردم درگیر

طبق گزارشی که یک شاهد عینی برای ما ارسال کرده است، به تدریج چند صد نفر از مردم در محل درگیری جمع میشوند و نیروهای انتظامی را به محاصره خود در می

صفحه ۶

حزب دمکرات و جنگ با آزادی

مورد عصبانیت امروز حزب دمکرات شده است و در دوره گذشته چه نقشی در کومه له و حزب کمونیست ایران دارا بوده باشد، امروزه اما جزئی از جنبش ناسیونالیستی در کردستان است که دنیا را نهایتا با همان عینک حزب دمکرات کردستان می بیند. در نتیجه دعوی امروزشان اصلتی ندارد. در مورد جنگ سراسری حزب دمکرات با کومه له هم،

صفحه ۲

کرده است اظهار نظر کرده اند، دو نکته نظرم را جلب کرد. اختلافات حزب دمکرات کردستان ایران و عبدالله مهتدی، و موضوع جنگ سراسری کومه له و حزب دمکرات. به این دو موضوع به اختصار اشاره کنم.

اختلافات حزب دمکرات و عبدالله مهتدی

عبدالله مهتدی در کتاب خاطرات خود هر چه گفته باشد که



ناصر اصغری

از لابلای نوشته دوستانی که درباره اطلاعاتیه اخیر حزب دمکرات کردستان ایران درباره جنگ سراسری حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له منتشر

به بهنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند به این حکم جنایتکارانه وسیعا اعتراض کنیم

ساعت پنج و نیم عصر روز ۱۱ دی از طریق تماس تلفنی به خانواده خود داده است و بنا بر این گزارش بر اساس این حکم

صفحه ۵

کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۲۰ سال حکم زندان محکوم شد. بنا بر خبر بهنام این خبر را در

بنا به خبر منتشر شده در سایت اتحاد "اتحادیه آزاد کارگران ایران" بهنام (اسد) ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و عضو

به این نمایش ضد بشری علیه سکینه، سجاد، هوتن و دو خبرنگار آلمانی باید فوراً پایان داد!



دعوا میکند! این چنین "اعترافاتی" در جمهوری اسلامی نه فقط ذره ای ارزش حقوقی ندارد، بلکه تنها معیاری است برای سنجش میزان شکنجه های وحشیانه ای که قربانیان ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی متحمل میشوند.

صفحه ۶

جمهوری اسلامی در نمایش اعتراف گیری دیگری، سکینه و پسر او سجاد را وادار کرد که علیه خود و علیه کسانی که برای آزادی سکینه تلاش کرده اند سخنانی ابراز دارند. از جمله سکینه را مجبور کردند که بگوید علیه دو خبرنگار آلمانی، مینا احدی و وکییل سابقش اقامه

در مورد جامعه مدنی

منصور حکمت

صفحه ۳

پیام تسلیت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده ناصر کمانگر

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۴

هفته خونین رژیم، هفته اعتراض مردم

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ حزب دمکرات و ...

عبدالله مهتدی عضو جنبش ناسیونالیسم کرد نمی تواند منبع مشروعی برای نظر دادن بر سر آن جنگ باشد؛ چرا که عبدالله مهتدی امروزه تاریخ آن دوره خود را لعن و نفرین می کند. عبدالله مهتدی امروز، سخنگوی کومه له آن روز نیست. سخنگوی یک جریان قوم پرست است که خود بارها گفته است به یک جنبش دیگری تعلق دارد. حزب دمکرات این را می داند اما نیاز دارد که از اسم عبدالله مهتدی در این حین و بین و گیرو دار استفاده کند، چرا که این اسم در دوره جنگ بین حزب دمکرات و کومه له به یک جنبش دیگری تعلق داشت.

نکته دیگری که مهم است در این رابطه در نظر گرفته شود، این است که این تنها عبدالله مهتدی نیست که در این دوره درباره جنگ کومه له و حزب دمکرات اظهار نظر کرده است. از قضا همه آغازگر این جنگ را حزب دمکرات معرفی کرده اند. چرا حزب دمکرات نسبت به گفته های عبدالله مهتدی این چنین عکس العمل نشان می دهد؟! بنظر من این موضوع را باید در موقعیت این دو جریان در نزد رهبران ناسیونالیسم کرد در عراق و مشخصا جلال طالبانی جستجو کرد که روابط بهتری با عبدالله مهتدی دارند. این موضوع گرچه سیاسی است، اما حزب دمکرات نمی تواند آن را سیاسی هضم کند و به ریشه های آن پی ببرد. بنابراین اگر چنین به نظر می رسد که بخاطر یک واقعه دو دهه و نیم گذشته شاخ و شانه می کشد، در عالم واقع محاسبات رقابتی بر سر منافع سیاسی در یک بستر مشترک را در نظر دارد. نگران این است که دور و بری های عبدالله مهتدی رئیس پاسگاه های آینده کردستان ایران بشوند و باز هم سر اینها پی کلاه بماند.

در خود کردستان ایران هم نیروهای ناسیونالیست دیگری اکنون پا به عرصه رقابت با نیروهای سنتی مثل حزب دمکرات و جریان عبدالله مهتدی گذاشته اند. این نیروها میانه خوبی با عبدالله مهتدی ندارند و خود را کم و بیش به حزب دمکرات نزدیک می بینند. حزب دمکرات لازم است که برای جلب توجه بیشتر این نیروها هم که شده،

کومه له و حزب دمکرات، در منطقه کامیاران به پیشمرگان کومه له حمله کرد؟ آیا حزب دمکرات منکر این میشود که به مقر پیشمرگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر حمله کرد و سه تن از پیشمرگان این سازمان را به قتل رساند؟ حمله به کومه له در منطقه سردشت چه؟ آیا حزب دمکرات منکر این میشود که در روستای باش بلاغ عضو کومه له را دستگیر و اعدام کرد؟ آیا منکر این میشود که به کومه له یکسانی حمله نظامی کرد؟ به سازمان چریکهای فدائی، وحدت کمونیستی، راه کارگر چه؟ آیا منکر این می شود که در کوره پزخانه های بوکان دست به اذیت و آزار فعالین کارگری زد؟ چه کسی این درگیریها را شروع کرد؟ در هیچکدام از این موارد حتی افراد و سازمانهایی که مورد حمله قرار گرفتند، مقابله به مثل هم نکردند! می خواهم نتیجه بگیرم که حزب دمکرات بخاطر سیاست منسجم ناسیونالیستی ای که تحت رهبری عبدالرحمان قاسملو داشت، دقیقا می دانست که چرا باید با جریانات چپ و کمونیست بجنگد. این سیاست منسجم ناسیونالیستی باضافه ارتجاع مذهبی که تفکر بخش عظیمی از رهبری حزب دمکرات را تشکیل می داد، در برابر چپ و مشخصا کومه له که مدافع برابری زن و مرد، آزادی بیان، آزادیهای سیاسی و تشکل، مبارزه با مذهب و خرافات و غیره در تضاد و تقابل مستقیم قرار داشت.

سیاست منسجم ناسیونالیستی

اشاره کردم که حزب دمکرات کردستان ایران تحت رهبری عبدالرحمان قاسملو یک جریان منسجم ناسیونالیسم کرد بود که راه رسیدن به هدف را تشخیص داده بود. تکیه گاهش پس از انقلاب همان تکیه گاهش در سال ۱۳۲۴ بود. یعنی خانها، ملاها و سران عشایر. درگیریهایی که این حزب با اپوزیسیون چپ داشت و دفاعی که

از مالکین و ملاها می کرد در همین چهارچوب بود. ناسیونالیسم کرد رسیدن به هدف را در مذاکره با دولتهای مرکزی جستجو می کرد. در کردستان ایران اما با یک مشکل جدی روبرو شده بود. جنبش رادیکال و سرنگونی طلب توده ای در کردستان، جامعه شهرنشین و امروزی کردستان قبل از هر چیز مانع از زد و بند حزب دمکرات با جمهوری اسلامی بود. مردم در کردستان بر علیه حکومت اسلامی ایستاده بودند، حزب دمکرات نیروهای نظامی این رژیم را به کردستان اسکورت می کرد، به خمینی تبریک می فرستاد. حزب دمکرات اگر نیرویش بیشتر از مثلا کومه له و یا فلان جریان بود، بخاطر این بود که ارباب فلان عشیره خود از حزب دمکرات بود و کل عشیره و رعیتهايش را برای این حزب مسلح کرده بود. وقتی که سران عشایر در منطقه ارومیه و سلماس به طرف رژیم تغییر موضع دادند، نیروی چندین هزار نفر حزب دمکرات، در عرض یک هفته به حدود صد تا دویست نفر سقوط کرد! در مذاکراتی که رهبری این حزب - بخصوص در اوایل انقلاب - با نمایندگان رژیم می داشت، هر بار این موضوع را که "ما نمی دانیم در کردستان با کی طرف هستیم!" روی میز حزب دمکرات گذاشته می شد. حزب دمکرات مجبور بود برای اینکه بتواند "مزاحمتها" جریانات چپ را کم کند و جمهوری اسلامی بداند "با کی طرف است"، دست به اسلحه ببرد. رادیکالیسم در کردستان وجود جریانات چپ در کردستان، حزب دمکرات را بعنوان یک نیروی سراسری و مدافع منافع اربابها و مانع اصلی رشد رادیکالیسم چپ ملزم به وارد شدن به عرصه حمله نظامی به کمونیستها و نیروهای چپ و همچنین سرکوب دهقانان و کارگران می کرد. ورق به ورق این تاریخ ثبت شده است. قصد من اینجا فقط یک یادآوری به این موضوع بود.

مقاومت کومه له بر علیه حزب دمکرات

در همه مواردی که حزب دمکرات به نیروهای چپ حمله می کرد، برایشان مزاحمت ایجاد می کرد، مراکشان را می بست و به آنها حمله نظامی می کرد، هیچ کجا با مقابله به مثل درست و حسابی روبرو نشد. در بهترین حالت آماده باش به نیروهایشان می دادند. در بین بخش زیادی از نیروهای سیاسی در کردستان هم، شاید بغیر از کومه له، بعنوان "برادر بزرگتر جنبش کردستان" به رسمیت شناخته شده بود. این دید اما سریعا با تشکیل حزب کمونیست ایران و تضعیف هرچه بیشتر ناسیونالیسم در رهبری کومه له حاشیه ای و کنار گذاشته شد. این دید و امتیاز به حزب دمکرات با دفاع قاطع و صریح حزب کمونیست ایران از آزادی بیان و آزادیهای سیاسی و غیره تضعیف شد و مقاومت در برابر قلدردی آن حزب انسجام پیدا کرد. بعد از حمله نظامی به کومه له در اروامانات افق و سیاسی که بر کومه له حاکم بود این بود که کمونیست و کارگری که مسلح است، دیگر مجاز نیست در برابر جنایات حزب دمکرات سکوت اختیار کند. اگر جمهوری اسلامی در خیابانهای تهران و زندان اوین و قزل حصار جنایت و یکه تازی می کند، کمونیست آنجا دستش به جایی بند نیست. در کردستان اوضاع طور دیگری است. کمونیستی که زیر سرنیزه جلالان جمهوری اسلامی اول ماه مه سرخ در سندان برگزار می کند، این گردن گذاشتن به گروکشی و قلدردی را از کمونیستی که مسلح است و از حق و حقوق زحمتکشانش و شوراها دفاع می کند، قبول نمی کند. و این اصلی است که حزب دمکرات نه آن زمان و نه اکنون قابل به درک آن نبوده است.

اول ژانویه ۲۰۱۰

**اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.**



در مورد جامعه مدنی

است برای خواست مشروط شدن حاکمیت اسلامی و برسمیت شناسی نوعی حقوق فردی و مدنی برای اهالی و ایجاد يك قاب شبهه قانونی برای رابطه رژیم با مردم. این عبارت از درون ناراضیان خود رژیم ظهور کرد و توسط خاتمی و امیدواران پیرامونی اش در خارج دولت، رواج یافت. به این ترتیب بحث جامعه مدنی به تم ثابتی در روزنامه ها و در میان مفسرین مجاز داخل کشور تبدیل شد و اکنون به طیف های وسیعتری در اپوزیسیون سرایت کرده است. آنها که داخل رژیمند معنی و کاربرد این عبارت را خوب میدانند و در همان چهارچوب تقابلی جناحها و مساله بقاء رژیم به آن میپردازند. برای آنها این عبارت، درست مانند مقولات "سازندگی"، "تساهل"، "مکتب یا تخصص"، "مرجعیت رهبر"، "انحصارگری" و غیره معنای روشنی در جنگ قدرت دارد.

جامعه مدنی پرچم جناح مقابل ولایت فقیه است. اینکه خود این عبارت "جامعه مدنی" تاریخا به چه معانی ای بکار رفته است، در چه دوران و تحت چه شرایطی در تاریخ تفکر سیاسی در غرب ظهور کرده و

آقا بهزاد نبوی، و تفسیر محاکمه کرباسچی و عزل نوری و دگراندیشی نویافته سرش و بازنشستگی لاجوردی، نیازی به مرور نظرات هابس و هگل و مارکس در مورد جامعه مدنی ندارد. ما باید در بحث جامعه مدنی دخالت کنیم. همانطور که باید در بحث ولایت فقیه دخالت کنیم. دخالت، نه شرکت.

باید منافع واقعی و شعارها و سیاستهایی را که تحت پوشش این بحث و این عبارت دارد طرح میشود به مردم بشناسانیم. مساله رژیم اسلامی آری یا نه، نقش خاتمی و امکان یا عدم امکان تغییر رژیم ایران از داخل، نظام سیاسی مورد خواست مردم، اینها همه بحثهای جاری و مهم در جامعه ایران هستند. اما بحث جامعه مدنی، قالبی است که یکی از مدعیان قدرت، یعنی جناح معتدل تر خود حاکمیت، میخواهد به این جدلها بزند. چاله ای است که دارند سر راه مبارزه برای آزادی در ایران میکنند. بحث جامعه مدنی نه فقط در مقابل ولایت فقیه، بلکه در برابر خواستهای رادیکال تر و صریح تر و ملموس تر مردم علم شده است. خواست آزادی، رفع تبعیض، دولت غیر مذهبی، رفاه، برابری زن و مرد، تضمین

ایسکرا: بدنبال انتخاب خاتمی، اصطلاح "جامعه مدنی" در ادبیات رسانه های رژیمی و اپوزیسیون پرو- رژیم در داخل و خارج کشور به يك تکیه کلام و ترجیح بند پرمصرف تبدیل شده است. مصرف گسترده این مقوله در این دوره چه دلیلی دارد و با توجه به اینکه عبارت "جامعه مدنی" گاهی در ادبیات کمونیسم کارگری هم بکار میرود، فرق بحث حزب با بحثهای جاری در این زمینه چیست؟

منصور حکمت: حزب، بعنوان حزب، بحثی در باره "جامعه مدنی" ندارد. تصور نمیکم اگر رفقای هم در مقالاتشان این عبارت را بکار برده باشند در متن پروپلماتیک جاری اپوزیسیون مجاز ایران حرف زده باشند. عبارت جامعه مدنی در مباحثات امروز رژیم و اپوزیسیون خاتمی چی در داخل و خارج ایران، اسم رمز و علامت اختصاری ای

حقوق فردی و مدنی، تعقیب عاملان دو دهه جنایت اسلامی، خواست سکولاریسم، مدرنیسم، سوسیالیسم. بگذارید باز هم تکرار کنم که بنظر من کسانی که مباحث مجلات مجاز داخل را با پروپلماتیک های واقعی جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که شخصیتها و نیروهای اپوزیسیون مجاز را با نیروهای واقعی دخیل در سرنوشت این جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که دنیای رسانه ها را جای دنیای واقعی قرار داده اند، از رویدادهای آتی ایران بشدت شوکه خواهند شد. در مسیر نبرد برای سرنوشتی، کارگران و توده مردم از این شخصیتها و این فضا و این عبارات سرعت عبور خواهند کرد. نمیدانم چند نفر در روسیه هنوز عبارات گلاسنوست و پروسترویکا یادشان است. اینهم بحث "جامعه مدنی" آنها بود که در سیر عملی تاریخ روسیه سرعت بی معنا شد. جدال در ایران بر سر آزادی و برابری است و آن نظام اجتماعی که میتواند تضمین کننده آن باشد. مساله به همین سادگی است.

ایسکرا شماره ۱۱
۹ شهریور ۱۳۷۷ - ۳۱ اوت
۱۹۹۸

اطلاعیه تلویزیون کانال جدید در باره تغییر فرکانس

به اطلاع عموم می رسانیم از تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۸۹ برابر با اول ژانویه ۲۰۱۰ کانال جدید در فرکانس جدید پخش می شود.

از ۱۰ و نیم الی ۱۲ و نیم هر شب به مدت ۲ ساعت برنامه پخش می کند. KBC کانال جدید در هرات بر د، شبکه

در حال حاضر کانال جدید در هر دو فرکانس جدید و قدیم پخش می گردد.

از تاریخ ۱۱ دی ماه در فرکانس قدیم کانال جدید قابل دسترسی نخواهد بود. فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید را به اطلاع دوستان آشنایان خود برسانید.

مشخصات جدید برای دریافت کانال جدید:

هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴

اف ای سی: ۵/۶

پلاریزاسیون: افقی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

۵ دی ۱۳۸۹



www.hekmat.public-archive.net
www.wpiran.org

اخباری از شهرهای کردستان

تجمع مجدد کارگران اخراجی نساجی کردستان

بنیال تجمع روزشنبه مورخ ۸۹/۹/۲۰ در اعتراض به لحاظ نکردن شرایط کار سخت و زیان آوردن سوابق بیمه ایشان، مجدداً از ساعت ۱۰ صبح تا نزدیک ظهر، مقابل اداره کار و امور اجتماعی سنندج واقع در خیابان جام جم دست به تجمع زدند. تعداد تجمع کنندگان که حدود ۱۰۰ نفر می شد در ادامه برای دنبال کردن مطالباتشان از میان خود ۳ نفر نماینده انتخاب کردند و مقامات استان به شرط پایان دادن به تجمع قول دادند که در اسرع وقت جواب مکتوب آنها را بدهند.

تعطیلی سد چپر آباد اشنویه و سه ماه حقوق معوقه کارگران

سد چپرآباد در ۱۰ کیلو متری جنوب شرقی اشنویه قرار دارد و به گفته مسئولان، این سد باید در سال ۸۶ به بهره برداری می رسید ولی هم اکنون به دلیل بدهی و نبود اعتبار متوقف شده و کارگران سه ماه حقوق معوقه دارند.

به گفته یکی از کارگران، در ابتدای این پروژه تعداد ۱۵۰ کارگر مشغول به کار بوده اند اما اوایل امسال تعداد ۹۰ نفر از آنها از کار اخراج شده و تعداد زیادی نیز هم اکنون بصورت روز مزد برای این شرکت پیمانکاری کار می کنند که متاسفانه از حقوق و مزایای قانونی و بیمه برخوردار نمی باشند.

همچنین این کارگر افزود، هر روز کارگران را به بهانه های پوچ و واهی باز خواست کرده و آنها را تهدید به اخراج می کنند. با شروع فصل سرما، استفاده از وسایل گرما

زا از قبیل بخاری نفتی، برقی، گازی و چوبی ممنوع شده و در صورت مشاهده استفاده از این وسایل، آن ها را اخراج خواهند کرد و اعلام شده است تا سال آینده پولی در کار نیست و هر کس معترض است باید تسویه حساب کرده و برود و در صورت اعتراض به وضع موجود بدون قید و شرط اخراج خواهند شد.

تعرض مامورین اماکن به مکان سیگار فروشان کامیاران

بنابر خبر رسیده، روز دوشنبه ۱۳/۱۰/۱۳۸۹ مامورین اجناس قاچاق همراه با مامورین اماکن به مکان سیگار فروشان کامیاران واقع در جاده شیروانه این شهر رفته و مانع کسب و کار سیگار فروشان شدند.

به گفته یکی از کارگران سیگار فروش، سیگارهای خارجی فروش خوبی در ایران دارد، به ناچار سیگار فروشان نیز به علت نبود کار و برای سیر کردن شکم زن و بچه خود به این کار مشغول هستند اما این برای چندمین بار است که این مامورین، سیگارهای خارجی آنان را با خود می برند و آنها را از کار بیکار می کنند. همچنین این کار محدود به کار سیگار فروشان دست فروش نبوده و مامورین حتی سیگارهای خارجی مغازه داران و دکه های داخل شهر کامیاران را نیز جمع آوری کرده و با خود می برند.

منبع اخبار فوق سایت کمیته هماهنگی

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان 'هدموند کردن یارانه ها' به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مجالده شده ایم تحمیل کند. میخواهد ما را از مصرف زیادی بر حذر دارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، مشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران!

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

پیام تسلیت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده ناصر کمانگر

ایستاد و خانواده و فرزندان و عزیزانش را در ماتم فرو برد. مرگ ناصر در اثر سکت قلبی بدلیل فشارهای روانی و روحی در ایران، یک دستاورد دیگر حکومت ننگین اسلامی است. روزی نیست که جوان و نوجوانی بر اثر سکت از بین نرود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت ناصر کمانگر

خبر درگذشت ناگهانی ناصر کمانگر کارگر مبارز و چهره محبوب مردم کامیاران، موجی از تأثر و تالم را در بین دوستان ایشان و همه کسانی که ناصر را از نزدیک می شناختند، ایجاد کرد. ناصر کمانگر عصر روز دوشنبه ۴ ماه ژانویه ۲۰۱۱، برابر با ۱۳ دی ماه ۱۳۸۹ در مسیر بازگشت از کار در حالیکه در یک پمپ بنزین مسیر راه بود، یکباره قلبش از حرکت باز

را به خانواده او، به همسر و فرزندان و همچنین به محمد امین کمانگر دایی ناصر و همه اعضا خانواده کمانگر صمیمانه تسلیت میگوید.

یاد و خاطره ناصر همواره گرامی باد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ ژانویه ۲۰۱۱

از طریق سایت زیر به کتاب یک دنیای بهتر

می توانید دسترسی پیدا کنید.

www.wpiran.org

حزب کمونیست کارگری ایران

آرشیو عمومی منصور حکمت

www.hekmat.public-archive.net



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com



رضارخشان راهی زندان شد کارگر زندانی آزاد باید گردد

- ارتباط با رادیو وند و رادیو وچپه وله

- بیان مطالب کذب (منظور، اعلام عدم مرخصی دادستان به خانواده های کارگران زندانی)

بمنظور تشویش اذهان عمومی

- افتتاح يك حساب بانکی بمنظور کمک گرفتن از موسسات دولتی و ایوژیسیون (اعلام شماره حساب از طرف یکی از کارگران که عمل فردی ایشان بوده است. این شماره حساب هیچ ربطی به رزارخشان نداشته است)

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن اعلام این خبر، صدور این حکم برای رضا رخشان و زندانی شدن وی و نیز صدور حکم زندان برای سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به اسامی

بهرزینیکوفرد علیرضاسعیدی و بهروز ملازاده و برای دیگر فعالین

بنا بر خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، رضا رخشان رئیس هیات مدیره این سندیکا امروز ۳ دی ماه ۸۹ راهی زندان شد.

جانان اسلامی در شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظرشان در شهر اهواز قبلا او را به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به شش ماه زندان محکوم کرده اند.

بنا بر خبر سندیکای نیشکر هفت تپه، دلایل دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی برای دادن این حکم عبارتند از:

بنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند
به این حکم جنایتکارانه وسیعا اعتراض کنیم

بودند، ولی بهانه آوردند و گفتند چون از شهرستان تهیه شده نمی پذیرند و مرتب او و خانواده اش را سر دواندند. بهنام بخاطر این بلاتکلیفی و بخاطر فشار در درون زندان در ۷ مهر دست به اعتصاب غذا زد. بعد از دوازده روز اعتصاب دچار خونریزی معده شد و به درخواست خانواده و دوستدارنش بعد از انتقال به بند عمومی ۳۵۰ به اعتصاب غذای خود پایان داد.

در این مدت خانواده بهنام زیر فشار اقتصادی زیادی قرار گرفته و ناگزیر بوده اند که با مشکلات فراوان و هزینه بسیار برای دیدار عزیزشان از شهر اشنویه به تهران بیایند. خانواده بهنام بارها به وضعیت بهنام اعتراض کرده و با نوشتن نامه به انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان خواهان حمایت و پشتیبانی شده اند. آخرین نامه آنها بعد از دادگاهی شدن بهنام در ۲۲ آذر و مطلع شدنشان از وارد کردن اتهام همکاری وی با

بهنام باید مدت ۱۰ سال از این حکم را در زندان رجائی شهر و ده سال دیگر را در زندان اوین تحمل کند. باید وسیعا به این حکم جنایتکارانه جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

جمهوری اسلامی با صدور چنین حکمی برای بهنام، سرکوب کل کارگران و کل جامعه را هدف دارد،

بهنام ابراهیم زاده کارگر لوله سازی پلی اتیلین شورآباد شهر ری است. کارگر جوان ۳۵ ساله ای که هفت ماه است بخاطر مبارزاتش و دفاع از حقوق انسان، در زندان است.

بهنام در ۲۲ خرداد دستگیر شد. بدلیل ضرب و شتم در هنگام دستگیری قفسه سینه و پایش آسیب دید. وی مدتی در بند ۲۰۹ اوین بود و مورد اذیت و آزار زیادی قرار گرفت. با وجودیکه برای بهنام وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین کردند و این وثیقه را خانواده اش برای وی تهیه کرده

سازمان مجاهدین بود. در آن نامه مادر و پدر بهنام این اتهام را کذب محض خوانده و آترا پاپوش دوزی برای دادن حکم سنگین به بهنام دانسته و ضمن اظهار نگرانی و در خطر دیدن جان فرزندشان در زندان، از جهانیان خواستند که وسیعا به این اتهام و ادامه بازداشت بهنام در زندان اعتراض کنند.

اکنون جانینان جمهوری اسلامی تحت عنوان محاربه به بهنام ۲۰ سال حکم زندان داده اند.

بهنام را سال گذشته نیز بخاطر تجمع اول مه در پارک لاله تهران دستگیر کردند و یکماه زندان بود و بعد هم با قید وثیقه آزاد شد.

با تمام قدرت از فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده برای نجات وی از زندان پاسخ دهیم. به پاپوش دوزی برای بهنام و منتسب کردن وی به سازمان مجاهدین خلق و صدور ۲۰ سال

حکم زندان برای او اعتراض کنیم. به هر شکل که میتوانیم در سطح جهانی و در ایران اعتراض خود را اعلام کنیم.

همگی در دو جمله در همه جا بنویسیم که صدور ۲۰ سال حکم زندان برای بهنام ابراهیم زاده محکوم است و او باید فوراً آزاد شود. این را بصورت طومار بنویسیم و وسیعا امضا کنیم. عکس بهنام را همه جا نصب کنیم و خواهان آزادی فوری وی از زندان شویم.

نگذاریم بهنام ابراهیم زاده بیش از این در زندان بماند. زندان اتهام محاربه به بهنام خطری است بر روی سر او، برای آزادی وی با تمام قوا تلاش کنیم.

بهرزینیکوفرد علیرضاسعیدی و بهروز ملازاده و برای دیگر فعالین

بنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند
به این حکم جنایتکارانه وسیعا اعتراض کنیم

بنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند
به این حکم جنایتکارانه وسیعا اعتراض کنیم

بنام ابراهیم زاده ۲۰ سال حکم زندان دادند
به این حکم جنایتکارانه وسیعا اعتراض کنیم

به استخدام رسمی در آورند. حمایت از رضا رخشان حمایت از همه این دستاوردهاست.

امروز دفاع از کارگران زندانی، يك امر فوری در مقابل جنیش کارگری در ایران است. دفاع از کارگران زندانی، به معنی دفاع از حق متشکل شدن، حق اعتصاب، حق تجمع کردن و آزادی بدون قید و شرط سیاسی است. دفاع از کارگران زندانی یعنی گرفتن ابزار سرکوب و حمله به جنبش کارگری و کل جامعه و باز کردن فضا برای متحد شدن و قدرتیابی مبارزات کارگری است. باید با تمام قوا از کارگران زندانی حمایت کنیم.

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

امروز دفاع از کارگران زندانی، يك امر فوری در مقابل جنیش کارگری در ایران است. دفاع از کارگران زندانی، به معنی دفاع از حق متشکل شدن، حق اعتصاب، حق تجمع کردن و آزادی بدون قید و شرط سیاسی است. دفاع از کارگران زندانی یعنی گرفتن ابزار سرکوب و حمله به جنبش کارگری و کل جامعه و باز کردن فضا برای متحد شدن و قدرتیابی مبارزات کارگری است. باید با تمام قوا از کارگران زندانی حمایت کنیم.

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

رضا رخشان، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری از جمله سه کارگر دیگر نیشکر هفت تپه به

اسامی
بهرزینیکوفرد علیرضاسعیدی
و بهروز ملازاده باید لغو شود. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید متوقف شود.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی

۱۳ دی ۸۹، ۳ ژانویه ۲۰۱۱

شهلا دانشفر

0044-77798 98968
Shahla_Daneshfar
@yahoo.com

بهرام سروش

0044-7852 338334
Bahram.Soroush@
gmail.com
http://free-them-
now.blogspot.com

بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. با کارزار برای آزادی کارگران زندانی وسیعا همکاری کنید.

۱۲ دی ۸۹، ۲ ژانویه ۲۰۱۱

شهلا دانشفر ۰۰۴۴-

۹۸۹۶۸ ۷۷۷۹۸

Shahla_Daneshfar
@yahoo.com

جهت جلوگیری از رباهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

بهرام سروش ۷۸۵۲-۰۰۴۴

۳۳۸۳۳۴

Bahram.Soroush
@gmail.com

بهرام سروش ۷۸۵۲-۰۰۴۴

۳۳۸۳۳۴

Bahram.Soroush
@gmail.com

بهرام سروش ۷۸۵۲-۰۰۴۴

۳۳۸۳۳۴

Bahram.Soroush
@gmail.com

بهرام سروش ۷۸۵۲-۰۰۴۴

۳۳۸۳۳۴

Bahram.Soroush
@gmail.com

بهرام سروش ۷۸۵۲-۰۰۴۴

۳۳۸۳۳۴



مردم سندج با شجاعت و قاطعیت ...

از صفحه ۱

آوردند و کارت شناسایی تعدادی از آنها را میگیرند و اسامی و مشخصات فردی و شماره خودرو آنها را یادداشت میکنند. کسی که تیر اندازی کرده و آن کودک را مجروح کرده بود، بنام پوریا فقه سلیمانی بوسیله مردم مورد بازید بدنی قرار میگیرد.

طبق این گزارش مردم ضمن تنفر عمیق از نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم با پختگی و تسلط کامل بر اوضاع، اقدامات تحریک

آزادیخواهی است که بارها جنایتکاران را به عقب نشینی واداشته است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ ژانویه ۲۰۱۱،
دیمه ۱۳۸۹

هفته خونین رژیم، هفته اعتراض مردم

علیه جمهوری اسلامی در همه جا نقش بسته است.

سران جمهوری اسلامی را میتوان افسار زد و جلو اعدام ها را گرفت. هر مورد اعدام، اعم از اعدام کسانی که در بیدادگاه های جمهوری اسلامی به قاچاق مواد مخدر محکوم شده اند یا اعدام زندانیان سیاسی، باید با اعتراض یکپارچه مردم در داخل و خارج کشور مواجه شود. همه جا باید اعلام کرد که هر نوع اعدامی جنایت است و باید لغو شود. همه جا باید خواهان لغو کلیه احکام اعدام در ایران و آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی شد. باید بزرگترین اعتراضات در سراسر جهان به راه بیفتد و در داخل کشور نیز به هر شکل که ممکن است باید در مقابل اعدام ها اعتراض کرد و خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم در ایران و در سطح بین المللی میخواهد که مردم ایران را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی هرچه وسیعتر همراهی کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ دیمه ۱۳۸۹، ۱ ژانویه
۲۰۱۱

به این نمایش ضد بشری علیه سکینه ...

از صفحه ۱

اسلامی هیچ کمکی به این آزادی نخواهد کرد.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار وظیفه خود میدانند تا نقشه های شومی که جمهوری اسلامی برای سکینه و سجاد و هوتن و همچنین خبرنگاران آلمانی دارد را افشاء و نقش بر آب کند. ما به سهم خود و با تمام توان تلاش میکنیم تا سکینه و سجاد و هوتن و خبرنگاران آلمانی را از این دام کثیف و ضد بشری که جمهوری اسلامی برای آنها چیده نجات دهیم. لذا ما همه مردم جهان و حامیان سکینه در همه کشورها را فرامیخوانیم تا متوجه حساسیت موضوع شوند و با قدرتی بمراتب بیش از گذشته به میدان بیایند. اگر تا اینجا سکینه زنده است این شمره تلاش و کوشش همه ما بوده است و اکنون نجات سکینه و فرزندش از مرگ تدریجی که جمهوری کثیف اسلامی برای آنها تدارک دیده، همچنین آزاد کردن فوری خبرنگاران آلمانی و هوتن کیان کار ماست.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۲ ژانویه ۲۰۱۱



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!